

نقد و بررسی خوانش‌های موجود از مراحل خلقت انسان در قرآن کریم

فرزانه روحانی مشهدی*

چکیده

پژوهش‌های متعددی برای بررسی سازگاری یا تعارض قرآن با نظریه تکامل صورت گرفته که به نواقصی در روش دچار هستند و جامعیت آنها را نسبت به آیات مرتبط و همچنین دقت روش آنها را در تحلیل متناسب با بافت قرآن با تردید همراه می‌سازد. این پژوهش با نگاهی جامع به تمام آیات مرتبط و دسته‌بندی آن، بر آیات منشأ و مراحل خلقت انسان تمرکز دارد. پس از استخراج مراحل خلقت و استنباط ترتیب منطقی این مراحل از آیات، خوانش‌های موجود از مراحل خلقت انسان با تکیه بر سیاق و بافت آیات قرآنی تحلیل و ارزیابی آن روشن می‌گردد، عدم تصریح قرآن بر نحوه گذار از مرحله خاکی به مرحله انسانی، عامل پیدایش خوانش‌های سه‌گانه است. همچنین عدم توجه محققان به سبک دوگانه قرآن کریم در وصف رویدادهای جهان که گاه از منظر طبیعی - خلقی بیانی واقعی دارد و گاه از منظر ملکوتی - امری، با بیانی نمادین همراه است، سبب خوانش پیدایش اعجازین نوع انسان شده است. در نهایت تحلیل سیاق سوره سجده که تلفیقی از هر دو منظر است، نشان می‌دهد تنها خوانش پیدایش نوع تکاملی ممکن است و خوانش پیدایش نوع اعجازین با ترتیب منطقی مذکور در این سیاق سازگار نیست.

واژگان کلیدی

سوره سجده، تفسیر علمی، خلقت انسان، نظریه تکامل، قرآن و علم، معجزه.

*. استادیار گروه سیستم‌های قرآن پژوهشکده مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن دانشگاه شهید بهشتی. f_rohani@sbu.ac.ir
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۹

طرح مسئله

یکی از چالش‌های جدی کلام جدید در حوزه مباحث علم و دین، سازگاری نظریه تکامل با روایات کتب مقدس درباره پیدایش انسان و حیات است؛ زیرا این نظریه اکنون به پارادایم غالب در زیست‌شناسی نوین تبدیل شده (Dobzhansky, 1973) و از سویی خوانش‌های سنتی از چگونگی خلقت انسان در کتب مقدس با آن موافق نیست.

قرآن پژوهان مسلمان در راستای حل این مسئله شش روش را دنبال کرده‌اند. (فرامرزقراملکی، ۱۳۷۳) رویکرد یکم خوانشی از قرآن ارائه می‌دهد که با نظریه تکامل سازگار است؛ (سحابی، ۱۳۸۷؛ مشکینی، ۱۳۶۶) رویکرد دوم با تکیه بر عدم قطعیت نظریات در علوم تجربی و ابطال نظریه خلقت تکاملی انسان نظریه تکامل را در تقابل با آیات قرآن می‌شمرد؛ (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷ / ۱۳۰؛ همو، ۱۳۷۱: ۱۱ / ۸۳؛ سبحانی، ۱۳۹۰: ۲۳؛ نجفیان، ۱۳۹۱) در رویکرد سوم با در نظر گرفتن احتمال اثبات قطعی این نظریه، پیشنهاد تاویل آیات قرآن مطابق نظریه تکامل مطرح می‌شود؛ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶ / ۲۵۵؛ مطهری، ۱۳۸۹: ۱ / ۵۱۵؛ سبحانی، ۱۳۹۰: ۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۳۸: ۱۳۹) رویکرد چهارم، خلقت انسان را یک استثناء از روند تکاملی آفرینش و در حقیقت معجزه می‌داند. (فرامرزقراملکی، ۱۳۷۳: ۱۱۰؛ مصباح یزدی، ۱۳۶۷؛ همو، بی‌تا: ۹۴) در رویکرد پنجم با تکیه بر تنوع آیات خلقت آدم و عدم قطعیت دلالت آن بر نظریه خاص علمی به تفکیک حقیقت وحی و فهم مفسران از آن معتقد و بر آن است که با قطعیت یافتن درستی یا نادرستی نظریه تکامل لطمه‌ای به اعتبار کتاب خدا وارد نمی‌شود. (مشکینی، ۱۳۶۶: ۲۲) در رویکرد ششم، با تفکیک زبانی علم و دین و نمادین خواندن زبان قرآن (فرامرزقراملکی، ۱۳۷۳: ۱۵۸) و یا با ارائه دیدگاه‌های نواندیشانه درباره سرشت وحی (نکونام، ۱۳۹۲: ۶۸۲؛ سروش، ۱۳۵۹) از اساس جایگاهی برای طرح چنین مسائلی قائل نشدند و درصدد ارائه رهیافتی مبنایی برای رفع این تعارض‌اند.

در میان پژوهش‌های فوق تنها یدالله سحابی در کتاب **قرآن مجید تکامل و خلقت انسان** و علی مشکینی در کتاب **تکامل در قرآن** با تمرکز بر حل مسئله تعارض نظریه تکامل با آیات قرآن به‌طور مستقل کتابی نگاشته‌اند و سعی نموده‌اند با رویکرد نخست نگاهی جامع به آیات قرآن داشته باشند. سحابی پس از مرور نظریه تکامل و ارائه شواهد علمی آن به بررسی آیات قرآنی پرداخته است. او در این بخش تلاش نموده آیات متنوع و متعددی را با نظریه تکامل تطبیق دهد. اگرچه در این کتاب تحلیل‌های تفسیری ارزشمندی ارائه شده، اما دو نقص عمده در آن به چشم می‌آید: یکم، نحوه

انتخاب آیات روشن نیست؛ از این رو همواره ممکن است آیاتی که مؤید یا مخالف نظریه باشد، از قلم افتاده باشد. دوم، در تحلیل تفسیری آیات، هر آیه به‌طور جدا از مجموعه آیات مرتبط با آن بررسی شده، از این رو همواره احتمال یافتن آیه معارض با تحلیل ارائه شده وجود دارد. برای نمونه تطبیق نفس واحد با اولین جاندار تک‌سلولی با مفهوم قرآنی نفس که از تحلیل جامع تمام کاربردهای این واژه در ادبیات قرآن به دست می‌آید، سازگار نیست. کتاب آیت‌الله مشکینی نیز از این نقایص مصون نمانده است. البته از محاسن کار ایشان این است که آیات را به صورت دسته‌بندی شده تحلیل نموده است. ملاک دسته‌بندی ایشان، نحوه استفاده مخالفان و موافقان تطابق قرآن با نظریه تکامل، همچنین آیات بی‌طرف است که امکان استفاده به نفع هر یک را دارد. سپس دو دسته دیگر با عنوان آیات خلقت هر فرد از انسان‌ها و آیات درباره آدم و همسرش بدان افزوده است. در دو دسته اخیر نقص دوم رفع شده، اما ملاک ایشان که نحوه استفاده از آیات در مباحثات موجود در آن زمان بوده، باعث شده آیات در دسته‌ها همپوشانی داشته باشند و حتی در تحلیل تفسیری روشن شود آیاتی از یک دسته باید به دسته دیگر منتقل شود؛ از سوی دیگر همچنان جامعیت تحلیل ایشان نسبت به همه آیات مرتبط با بحث قابل تردید است و نشانه این مسئله تطبیق‌هایی است که به نظر با ادبیات قرآن سازگار نیست و در واژگانی چون نفس و نطفه نمایان شده است.

در یک پژوهش کلان توسط نگارنده، ابتدا در نگاهی جامع به قرآن، همه آیاتی که با مسئله تکامل و خلقت انسان پیوند دارد، استخراج و دسته‌بندی شده و دسته‌های زیر فارغ از نوع استفاده محققان و تنها با تکیه بر پیام کلیدی آیه ناظر به کیفیت خلقت انسان ایجاد شده است:

آیاتی که منشأ و مراحل خلقت نوع انسان را شرح می‌دهد، (مومنون / ۱۳؛ حج / ۵) کیفیت خلقت انسان را وصف می‌کند، (نوح / ۱۴ و ۱۷؛ الرحمن / ۱۴) اوصاف مرحله جمادی خلقت را بیان می‌کند، (نور / ۴۵) آیاتی که پیدایش گونه‌های جنیندگان را با ترتیبی خاص از آب می‌شمرد، (نور / ۴۵) آیاتی که به پیشینه فرهنگی انسان‌ها اشاره می‌کند، (بقره / ۲۱۳) آیاتی که منشأ انسان‌ها از زن و مرد را از نفس واحد می‌شمرد، (نساء / ۱؛ انعام / ۹۸؛ اعراف / ۱۸۹؛ زمر / ۶؛ لقمان / ۲۸) آیه‌ای که آدم را فردی برگزیده در ردیف پیامبران یاد می‌کند، (آل عمران / ۳۳) آیه‌ای که خلقت عیسی را به آدم تشبیه می‌کند. (آل عمران / ۳۳)

سپس هر دسته از آیات به‌عنوان عضوی از مجموعه یکپارچه آیات قرآن مورد پژوهش قرار گرفت تا دقیق‌ترین تحلیل تفسیری آن که همخوان با بافت قرآن است، ارائه گردد. برخی از این نتایج در قالب

مقالات علمی پژوهشی در مجلات معتبر ملی و بین‌المللی به چاپ رسیده‌اند. (روحانی مشهدی، ۱۳۹۹:

۶۷ - ۸۷؛ روحانی مشهدی، ۱۳۹۹؛ Rohanimashhadi, 2020)

این نوشتار حاصل پژوهش در دسته نخست؛ یعنی آیاتی است که منشأ و مراحل خلقت نوع انسان را شرح می‌دهد و تلاش شده آیات به‌صورت جامع استخراج و تحلیل شود. مسئله اصلی در این دسته آن است که چرا با وجود آن که در آیات مراحل خلقت انسان درباره نحوه تبدیل خاک به آدم سخن صریحی بیان نشده، خوانش‌های گوناگون و گاه متناقض شکل گرفته است؟ خوانش‌هایی که اشارات قرآنی درباره حلقه میانه مرحله خاکی و مرحله انسانی را گاه با مجسمه گلین آدم ﷺ تطبیق داده و گاه آن را با حیوانات پست‌تر از انسان در فرآیند تکامل تفسیر کرده‌اند. در راستای حل این مسئله سعی شده ابتدا تمام تعبیر قرآنی برای مراحل خلقت انسان از نظر زمانی رتبه‌بندی شود، سپس سازگاری خوانش‌های موجود با این آیات مورد نقد و بررسی قرار گرفته و در نهایت درباره سازگارترین تفسیر داوری شود.

استخراج مراحل خلقت انسان از آیات قرآن کریم

ابتدا تمام آیاتی که ریشه خلق در آن به‌کار رفته فهرست شده، آنگاه تمام ۲۱۸ مورد بررسی و روشن شد، ۱۰۰ آیه درباره خلقت انسان است (پیوست ۱) و از این میان در ۴۰ آیه به منشأ خلقت انسان؛ یعنی خاک، آب (نطفه) و ... اشاره شده (پیوست ۲) و تنها در ۱۵ مورد (آیه یا سیاق) از مراحل خلقت انسان از خاک و آب سخن رفته است. (جدول ۱)

۵۹ / آل عمران	إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.
۳۷ / کهف	قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نُبَيِّنُ فَأَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ.
۲۰ / روم	وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ.
۱۱ / فاطر	وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

غافر / ۶۷	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.
انعام / ۲	هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ.
مؤمنون / ۱۶ - ۱۲	وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ * ثُمَّ إِنَّكُمْ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ.
سجده / ۹ - ۷	الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ.
ص / ۷۲ - ۷۱	إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ * فَاذْأَسْوَيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ.
حجر / ۳۰ - ۲۸	وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَلٍ مَسْنُونٍ * فَاذْأَسْوَيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ * فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ.
نجم / ۴۶ - ۴۵	وَأَنَّهُ خَلَقَ الزُّوجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ * مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ.
قیامت / ۳۹ - ۳۷	أَلَمْ يَكْ نُطْفَةٍ مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَىٰ * ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ * فَجَعَلَ مِنْهُ الزُّوجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ.
انسان / ۲	إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا.
عبس / ۲۲ - ۱۹	مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ * ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ * ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ * ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ.

جدول ۱: سیاق‌های مراحل خلقت انسان در قرآن

۱. استخراج مراحل اساسی خلقت انسان

آیاتی که به ماده اولیه خلقت و همچنین مراحل تبدیل آن با کلماتی مانند: ثم و فاء عطف ذکر شده در ستون اول جدول ۲ وارد می‌گردد. سپس بر پایه محتوای آیات، عناوین ستون‌ها به مراحل مذکور در آیات اختصاص یافته و کوشش می‌شود، ترتیب مراحل بر اساس آیات از راست به چپ قرار گیرد.

با استخراج واژگان ناظر به منشأ و مراحل خلقت انسان، شش مرحله کلی پدید آمد که می‌توان از آن

با عناوین زیر یاد نمود:

۱. تراب (جمادی)، ۲. ماء نطفه (حیوانی)، ۳. نفخ روح (انسانی)، ۴. بلوغ، ۵. پیری و موت، ۶. بعث یا

خلقت دوباره.

به نظر می‌رسد با تأملی فزون‌تر در آیات، مرحله ۳ و ۴ قابل تلفیق باشند؛ از آنجا که لفظ استواء، هم‌نشین مفهوم بلوغ اشد است، (یوسف / ۲۲؛ قصص / ۱۴) همچنین این واژه هم‌ریشه با تسویه است که هم‌نشین نفخ روح در مراحل خلقت انسان است، این تردید به وجود می‌آید که آیا استواء همان

تسویه است که مقدم بر نفخ روح است و بنا بر استنباط فقها در ماه‌های میانی دوران جنینی رخ می‌دهد، یا استواء هم‌زمان با بلوغ در دهه دوم زندگی است. به‌ویژه آنکه بعد از تسویه، سخن از برخورداری از سمع و بصر و فواد یا الهام فجور و تقوا است که بر دریافت‌های علمی دلالت دارد، همچنان که پس از استواء به دریافت علم و حکمت تصریح می‌شود. آیا می‌توان تسویه نفس انسان، دریافت روح و الهام فجور و تقوا را با مرحله استواء و بلوغ و دریافت علم و حکمت هم‌زمان دانست؟ به نظر می‌رسد هر دو احتمال قابل طرح باشد؛

احتمال یکم: تسویه نفس و نفخ روح در دوران جنینی و استواء؛ یعنی تحقق عملی فعل تسویه و ظهور و پذیرش آن با بالغ شدن نفس؛

احتمال دوم: تسویه نفس و استواء آن در زمان بلوغ رخ داده که زمینه‌ساز برخورداری انسان از روح و در پی آن استفاده کارآمد از سمع و بصر و فواد و در نتیجه دریافت علم و حکمت می‌گردد. با توجه به کاربردهای تقدس‌آمیز «روح» در قرآن کریم، سجده ملائکه بر آدم در پی نفخ روح و همچنین اختصاص دو آیه استواء به دو پیامبر، یعنی حضرت موسی و یوسف علیهم‌السلام احتمال سوم قابل طرح است:

احتمال سوم: نفخ روح تنها ویژه پیامبران است و حاصل آن دریافت علم و حکمت ویژه مقام نبوت است.

نقد و بررسی سه احتمال

احتمال یکم با نظر مشهور فقهی سازگار است، اما هیچ تصریحی در قرآن کریم وجود ندارد که نفخ روح در دوران جنینی رخ داده است. در پنج آیه از نفخ روح سخن رفته که دو آیه آن درباره عیسی در بطن مریم است (انبیاء / ۹۱؛ تحریم / ۱۲) و سه آیه درباره انسان، بشر یا آدم است (حجر / ۲۹؛ ص / ۷۲؛ سجده / ۹) و در سیاق هیچ‌یک از این موارد به جز (سجده / ۸) ذکری از مراحل جنینی به میان نیامده است. در سیاق سجده هم سخن از تکثیر نسل انسان از طریق نطفه است و میان این مرحله - اگر جنینی شمرده شود - و مرحله تسویه و نفخ روح با کلمه ثمّ فاصله افتاده، پس بر رخداد نفخ روح در مرحله تکثیر نسل دلالت ندارد.

برخی مفسران تعبیر «خلقا آخر» در پایان مرحله جنینی در سوره مومنون را به نفخ روح تفسیر کرده‌اند؛ (طبری، ۱۴۱۲: ۱۸ / ۸؛ طوسی، بی‌تا: ۷ / ۳۵۴) اما دلیلی وجود ندارد که این خلقت ویژه در دوران جنینی باشد، همان‌گونه که دلیلی برای تطبیق آن با نفخ روح وجود ندارد. به نظر می‌رسد، خلقت ممتاز و ویژه انسان در آن مرحله همان خلقت نفس انسان است؛ زیرا نفس به تصریح آیات دیگر مخلوق

است (نساء / ۱؛ زمر / ۶) و تنها از آن انسان است، (شاکر، ۱۳۷۹) اما روح از امر پروردگار است (اسراء / ۸۵) و به مخلوق بودن آن اشاره نشده است و از جنس امر بودن روح بر مجرد آن دلالت دارد. (فقهی‌زاده و پهلوان و روحی، ۱۳۹۱؛ روحانی، ۱۳۹۹) اگرچه ممکن است تسویه نفس و نفخ روح فاصله زمانی نداشته باشد و علت تقدم ذکر تسویه بر نفخ، تاکید بر نقش نفس به‌عنوان بستر یا ظرف دریافت روح باشد که تنها پس از انشاء و پرورش آن امکان نفخ روح الهی فراهم می‌شود. این بیان با نظر مفسرانی که خلقت ویژه را دریافت حیات و علم پس از مرحله جمادی دانسته‌اند، (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۱۷۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۲۰) سازگار است.

احتمال دوم با آیات قرآن سازگار است؛ همراهی استواء با بلوغ اشد و تعبیر «سَوَاكُ رَجُلًا» در آیه (کهف / ۳۷) شاهد آن است که تسویه نفس و استواء حاصل از آن در بزرگسالی و سنین بلوغ روی می‌دهد. الهام فجور و تقوا، (شمس / ۸) ایتاء علم و حکمت، (یوسف / ۲۲) فعال شدن سمع و بصر و فواد (سجده / ۹) به‌عنوان ابزار بینش و فهم و تعقل (اعراف / ۱۷۹) از پیامدهای تسویه نفس و نفخ روح است و روشن است که در دوران جنینی چنین قابلیت وجود ندارد. استثناء شدن عیسی بن مریم و نفخ روح در او زمانی که در بطن مریم بود، موجب شد، از بدو تولد بلوغ عقلی او ظهور یافته، سخن بگوید و به حق دعوت کند. (مریم / ۳۳ - ۲۴)

جدول ۲: سنین بلوغ، زمان تسویه و استواء

سوره	عبارت اول	عبارت دوم	عبارت سوم
یوسف	بلوغ اشد		ایتاء حکمت و علم
قصص	بلوغ اشد	استواء	ایتاء حکمت و علم
کهف	تسویه رجلا		
سجده	تسویه		نفخ روح، جعل سمع و بصر و فواد: ابزار تعقل

احتمال سوم با برخی آیات سازگار نیست؛ اگرچه «روح» در بیشتر آیات قرآن در رابطه با وحی و پیامبران به‌کار رفته، اما سیاق سجده که برخورداری عموم انسان‌ها از بینش و فهم و عقل را در پی نفخ روح یاد کرده، فرضیه برخورداری عموم انسان‌ها از روح را تقویت می‌کند. البته می‌توان فرضیه تعالی مراتب بهره‌مندی پیامبران از روح را نیز پیش نهاد. (فقهی‌زاده و پهلوان و روحی، ۱۳۹۱)

اکنون می‌توان با انتخاب احتمال دوم به‌عنوان قوی‌ترین فرضیه، پنج مرحله اساسی برای خلقت انسان در نظر گرفت: ۱. تراب (جمادی)، ۲. ماء نطفه (حیوانی)، ۳. بلوغ و دریافت روح (انسانی)، ۴. پیری و موت (گذار به نشئه جدید)، ۵. خلقت دوباره و بعث (نشئه جدید).

جدول ۳: مراحل خلقت انسان در سباق‌های قرآنی

مرحله جزئی	تعبیر قرآنی	مرحله اساسی
چماد	تراب	چماد
	خاک	
چوان	طین	چوان
	صلصال من حمأ مسنون	
	قضای اجل	
	ماء مهین	
	نطفه	
	منی	
	جعل ازواج	
	تقدیر	
	قرار فی الارحام	
	ابتلاء	
کودک	علقه	کودک
	مضعه	
	عظام	
	لحم	
	اخراج طفل	
	بشر تنتشرون	
بایع	خلق آخر	بایع
	تسویه (بشر، نفس، رجل)	
	بلوغ اشد واستواء	
	قول کن فیکون	
انسان	نفخ روح	انسان
	جعل سمع و بصر و فواد	
	الهام فجور و تقوا	
	هدایت به سبیل	
	مسجود	
نفس متوفی	شیخ	نفس متوفی
	ارذل العمر	
	موت	
مبعوث	بعت و نشر	انسان

۲. ترتیب مراحل جزئی ذیل پنج مرحله اساسی

مراحل جزئی با عددی دورقمی کدگذاری شده‌اند که رقم دهگان گویای مرحله اساسی و رقم یکان نشانه ترتیب مرحله جزئی در مرحله اساسی است.

در مرحله اساسی اول، تراب، طین و صلصال من حماً مسنون سه تعبیر از منشأ خاکی وجود دارد. بررسی ریشه نشأ در قرآن، تعبیر ارض را به این سه می‌افزاید. اما این چهار تعبیر و نسبت میان آنها در هیچ آیه‌ای بیان نشده است؛ اگرچه مفسران حدس زده‌اند که تعابیر سه‌گانه به مراحل خلقت خاکی اشاره دارد، به این صورت که خاک (تراب) با آب مخلوط و به گل (طین) تبدیل شده و گل با گذشت زمان خشک شده و صورت سفالین «صَلْصَالٍ مِنْ حَمًا مَسْنُونٍ» یافته است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۴۴۵؛ طبری، ۱۴۱۲: ۲۷ / ۷۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۹ / ۳۴۹؛ ۸ / ۲۴۳؛ طوسی، بی‌تا: ۹ / ۴۶۸) از آنجا که جز روایتی از ابن عباس، دلیلی برای این ترتیب وجود ندارد، به همه این مراحل جزئی، کد ۱ اختصاص یافته و با عدد ۱۱ کد شده است.

در مرحله اساسی دوم مطابق جدول ۲، چهارده تعبیر مختلف وجود دارد. این مرحله خود به سه مرحله نطفه، جنین، کودک قابل تقسیم است. بنابر سیاق انعام، قضای اجل پس از خلقت طینی است و اطلاعات بیشتر در این باره به دست نیامد، پس به آن کد ۲۱ داده شد. بنابر سیاق قیامت و نجم، منی پس از خروج و قبل از ورود به رحم نطفه نامیده شده است. (کد ۲۱) بنابر سیاق فاطر، قیامت و نجم همین نطفه به هنگام ورود به رحم منشأ تعیین جنسیت است که در رحم قرار گرفته و موجب پیدایش حمل یا جنین می‌شود. (کد ۲۲) سپس مراحل جنینی مضغه و علقه و ... تا تولد و رشد قبل از بلوغ را طی می‌کند (کد ۲۳ تا ۲۸) که این تحولات، ابتلاء نیز خوانده شده است. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴ / ۶۶۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰ / ۱۲۱) البته بر پایه سیاق عبس پس از خلق نطفه مراحل تقدیر، هدایت، موت و نشور است. شاید بتوان تقدیر را به آغاز دوران جنینی نسبت داد؛ (کد ۲۲) زیرا بنابر سیاق اعلی، خلق و تسویه، همچنین تقدیر و هدایت از شئون ربوبیت است و از آنجا که تسویه بنابر مطالب پیش گفته معادل استواء و بلوغ و پس از آن هدایت است، خلق نیز معادل تقدیر خواهد بود، همان‌طور که در معنای لغوی این واژه بیان شده است. پس تقدیر با همه مراحل خلقت مطابقت دارد.

در مرحله اساسی سوم، همان‌گونه که در بررسی احتمالات درباره مراحل اساسی خلقت بحث شد، خلقت ویژه انسان با تسویه نفس انسانی، انشاء شده؛ یعنی در سنین بلوغ پرورش می‌یابد و انسان در این مرحله از هدایت ویژه انسان به سبب دریافت روح بهره‌مند می‌شود؛ بنابراین مرحله اساسی سوم شامل دو مرحله استواء نفس (کد ۳۱) و دریافت روح خدایی (کد ۳۲) است. دریافت روح سه بار با تعبیر نفخ روح ذکر شده، اما تعابیر دیگری وجود دارد که می‌توان آن را معادل مرحله نفخ روح دانست. تعبیر الهام فجور و تقوا پس از تسویه نفس در سوره شمس، تعبیر جعل سمع و بصر پس از ابتلاء و آنگاه هدایت به سبیل در سوره انسان، تیسیر سبیل پس از خلق و تقدیر در عبس، هدایت پس از تقدیر در اعلی، قول کن فیکون در آل عمران.

جدول ۴: ترتیب رخدادهای نفخ روح، الهام فجور و تقوا، جعل سمع و بصر و فواد، هدایت به سبیل

سوره	مرحله خلق و تقدیر			تسویه	مرحله نفخ روح	
حجر، ص	من تراب			تسویه	نفخ روح	
سجده				تسویه	نفخ روح جعل سمع بصر و فواد	
شمس	من نطفه			تسویه	الهام فجور و تقوا	
انسان	من نطفه	ابتلاء			جعل سمع و بصر	هدایت به سبیل
عبس	من نطفه		تقدیر			تیسیر سبیل
اعلی	خلق		تقدیر	تسویه		هدایت

جدول ۴ براساس ترتیب ذکر رویدادها در سوره‌ها ترتیب داده شده، در حالی که در همه موارد دلیل لفظی برای تأخر مرحله مذکور نسبت به مرحله قبل وجود ندارد. در سجده، پس از بیان نفخ روح در انسان به صیغه مفرد غایب با التفات به جمع مخاطب از نعمت جعل سمع و بصر و فواد یاد کرده و دعوت به شکرگزاری نموده است. بنابراین ممکن است این نعمت بیان دیگر یا ظهور نفخ روح در نوع انسان باشد و چه بسا صدر آیه به خلقت اولین انسان اشاره داشته و سپس با التفات، اثر نفخ روح در کالبد اولین انسان را موجب اندیشه‌ورزی به سبب سمع و بصر و فواد، در فرزندان او؛ یعنی انسان‌های مخاطب آیه شمرده است. همچنین در سوره انسان با حرف فاء عطف سمیع و بصیر شدن را متاخر از خلقت از نطفه و ابتلا و تحولات جنینی دانسته، اما در آیه بعد سخن از سر می‌گیرد و به هدایت عمومی انسان‌ها به سبیل و واکنش دوگانه شکر و کفر اشاره نموده است. گویا هدایت عمومی در آیه بعد بیان دیگری از سمیع و بصیر شدن در آیه قبل است. بنابراین سه مرحله آخر معادل و قابل تلفیق به نظر می‌رسد. همچنین مراحل خلق و تقدیر که در سوره اعلی به موازات هم بیان شده قابل تطبیق با یکدیگر است. (جدول ۴)

جدول ۵ سه مرحله اساسی در فرآیند خلقت انسان

سوره	مرحله خلق	تسویه	مرحله نفخ روح
حجر، ص	من تراب	تسویه	نفخ روح
سجده	من طین	تسویه	نفخ روح، جعل سمع و بصر و فواد
شمس	من نطفه	تسویه	الهام فجور و تقوا
انسان	من نطفه		جعل سمع و بصر، هدایت به سبیل
عبس	من نطفه و تقدیر		تیسیر سبیل
اعلی	خلق و تقدیر	تسویه	هدایت

به نظر می‌رسد، خلق نفس انسان و تسویه آن در عالم طبیعت که بیانگر مرحله کمال و اعتدال نفس انسانی است، زمینه‌ساز برخورداری از روح به امر خدا و با تعبیر نفخ است و از این رو مقدم بر نفخ روح ذکر شده است؛ یعنی این تقدم نمی‌تواند گویای فاصله زمانی میان این دو مرحله باشد، بلکه به موازات تکمیل و تسویه نفس در عالم طبیعت، برخورداری ملکوتی نفس انسان از روح رخ می‌دهد؛ (جدول ۲) به همین جهت در سوره اعلی همان‌گونه که خلق و تقدیر به یک معنا و معادلند، تسویه و هدایت که اشاره به نفخ روح دارد، معادلند. (جدول ۶)

جدول ۶: دو مرحله کلی در فرآیند خلقت انسان

مرحله اول	مرحله دوم	آیه
خلق	فسوی	اعلی / ۲
قدر	فهدی	اعلی / ۳

بنابراین اتفاق اول، خلقت انسان تا شکل‌گیری و تکمیل نفس انسانی است و اتفاق دوم، دریافت‌های ویژه عقلانی است که با تکمیل و تسویه نفس و امکان برخورداری از روح پدید می‌آید. (جدول ۶)

تعبیر دیگر «قول کن فیکون» در سوره آل عمران است که به‌عنوان مرحله دوم خلقت آدم و عیسی بیان شده است. به نظر می‌رسد این مرحله به نفخ روح اشاره دارد؛ زیرا طبق آیه (اسراء / ۸۵) روح از امر رب است و طبق آیه (یس / ۸۲) امر رب به هنگام اراده او همان قول «کن فیکون» است؛ پس نفخ روح همان اراده امر روح؛ یعنی همان قول «کن فیکون» است. بنابراین آیه (آل عمران / ۵۹) به دو مرحله اساسی خلق و هدایت اشاره کرده است.

به عنوان مرحله جزئی سوم، سجده ملائکه بر آدم بعد از نفخ روح مورد تصریح دو سیاق حجر و ص در قرآن کریم است. از این رو می‌توان این دو سیاق را به بیان مراحل خلقت نوع انسان که با پیدایش اولین نمونه آن پایان یافت، تفسیر نمود و سجده فرشتگان بر آدم را نمادی از تسخیر نیروهای عالم توسط او دانست که با مفهوم خلافت الهی نیز سازگار و در روایات نیز بدان اشاره شده است. از آنجا که این مسئله در سیاق سجده طرح نشده و در ازاء آن از برخورداری همگان از فهم سخن رفته، می‌توان تسخیر طبیعت را به تمام انسان‌هایی که نسبت به روح خدایی و هدایت او شاکر و عامل باشند، تعمیم داد، همان‌گونه که آیه تکریم بنی آدم به روشنی بر توان ویژه انسان‌ها در استخراج منابع طبیعی و خوراک پاک و تسخیر دریا و بیابان دلالت دارد (اسراء / ۷۰؛ کد ۳۳)

مرحله اساسی چهارم شامل پیری (کد ۴۱) و موت است؛ به نظر لازم است، میان پیری به‌عنوان مرحله ظهور کمالات انسان شایسته با تعبیر شیخ، و مرحله ضعف قوای ذهنی با تعبیر اردل العمر (کد ۴۲)

که به مرگ می‌انجامد، (کد ۴۳) تفاوت قائل شد. مرحله اساسی پنجم نیز همان خلقت دوباره یا بعث و نشور است. (کد ۵۱)

نقد و بررسی خوانش‌های موجود از ترتیب سه مرحله اساسی خلقت: جمادی - حیوانی - انسانی
از آنجا که مسئله ما در این مقاله بررسی خوانش‌های موجود از نحوه گذار از تراب به نطفه (از جماد به حیوان) و پس از آن گذار از حیات حیوانی به انسانی است، سه مرحله اساسی اول در سیاق آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. معرفی خوانش‌های موجود

در بررسی خوانش‌های موجود نسبت به سیاق‌های قرآنی مراحل خلقت انسان دو روی کرد اساسی دیده می‌شود؛ رویکردی که آیات را وصف فرآیند تولد عموم انسان‌ها می‌داند و رویکردی آیات را گزارش تاریخ پیدایش نوع انسان می‌شمرد.

الف) خوانش فرآیند تولد

بر پایه این خوانش، مبدا تولد هر فرد انسان خاک است؛ زیرا منشأ مواد تشکیل‌دهنده نطفه انسان، غذای به‌دست آمده از خاک است که توسط والدین هر فرد مصرف می‌شود و در بدن آنها تبدیل به نطفه می‌شود. انسان پس از طی مراحل جنینی و تولد، به بلوغ رسیده، قوای عقلی او کامل‌تر شده و از روح برخوردار و از حیات حیوانی به حیات انسانی ارتقاء می‌یابد. این خوانش از سوی برخی مفسران به‌عنوان یک احتمال در کنار خوانش پیدایش نوع ذیل سیاق‌های قرآنی مراحل خلقت طرح شده است. (جدول ۷)

جدول ۷: فراوانی نسبی خوانش فرآیند تولد

سیاق قرآنی	طبری	طوسی	رازی	آلوسی	طباطبایی
آل عمران / ۵۹					
کهف / ۳۷		۴۳ / ۷		۲۶۳ / ۸	
حج / ۵		۲۹۱ / ۷	۲۰۴ / ۲۳	۱۱۱ / ۹	
روم / ۲۰			۹۰ / ۲۵		۱۶۵ / ۱۶
فاطر / ۱۱			۲۲۷ / ۲۶		
غافر / ۶۷			۵۳۱ / ۲۷		۳۴۷ / ۱۷
انعام / ۲			۴۸۰ / ۱۲		
مؤمنون / ۱۳ - ۱۲			۲۶۵ / ۲۳		
سجده / ۷ - ۹			۱۴۱ / ۲۵		
ص / ۷۲ - ۷۱					

بررسی سیاق‌های قرآنی (جدول ۱) روشن می‌سازد به جز دو سیاق حجر و ص همگی با خوانش فرآیند تولد سازگار است. دو سیاق حجر و ص با گفتگوی خداوند و فرشتگان درباره پیدایش انسان در آینده آغاز می‌شود که به بیان بقره، قرار است خلیفه خداوند باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۱ / ۱۵۷) در ص و حجر انسان به فرشتگان معرفی می‌شود و دستور تسلیم در برابر او یا سجده بر او ابلاغ می‌گردد، دستوری که در بقره آیه ۳۴، اعراف آیه ۱۱ و طه آیه ۱۱۶ با ذکر نام آدم همراه است. هیچ‌یک از مفسران ذیل این دو سیاق به فرآیند تولد انسان از غذا و نطفه اشاره نکرده‌اند. (جدول ۷) همچنین در سیاق آل عمران درباره تشبیه حضرت آدم و عیسی علیه السلام نیز هیچ‌یک از مفسران چنین خوانشی ارائه نکرده است؛ زیرا آیه را ویژه آدم و نه عموم انسان‌ها دانسته‌اند؛ به جز آیت‌الله طالقانی در این آیه نیز خوانش پیدایش نوع به‌طور عادی را ارائه داده و بر شباهت عیسی و آدم در وحدت نوع که همان انسان بودن است، تاکید ورزیده است. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۵ / ۱۶۴)

ب) خوانش پیدایش نوع

بر پایه این خوانش، مبدأ پیدایش نوع انسان، خاک است، اما کیفیت تبدیل این خاک به انسان به دو صورت تبیین شده و دو خوانش پدید آمده است.

یک. خوانش پیدایش نوع به‌طور غیرعادی یا اعجازین

خاک به‌طور شگفت‌انگیز و غیرعادی به مجسمه آدم تبدیل می‌شود، آنگاه روح الهی در مجسمه دمیده شده جان می‌یابد و همسر او نیز همین گونه از مازاد خاک او آفریده شده و از نطفه این دو حیات انسانی تداوم می‌یابد. این خوانش در میان مفسران متقدم یا متاخر، شیعه یا سنی پرطرفدار است و در تمام سیاق‌های قرآنی که مبدأ خلقت انسان را تراب، طین و صلصال خوانده، با آن مواجه می‌شویم. البته تصریح بر خلقت غیرعادی آدم بدون والد و بی واسطه از خاک هر بار تکرار نشده است؛ اما گفتار خلق انسان به‌واسطه آدم از خاک گویای این خوانش است.

جدول ۸: فراوانی نسبی خوانش پیدایش نوع به‌طور غیرعادی

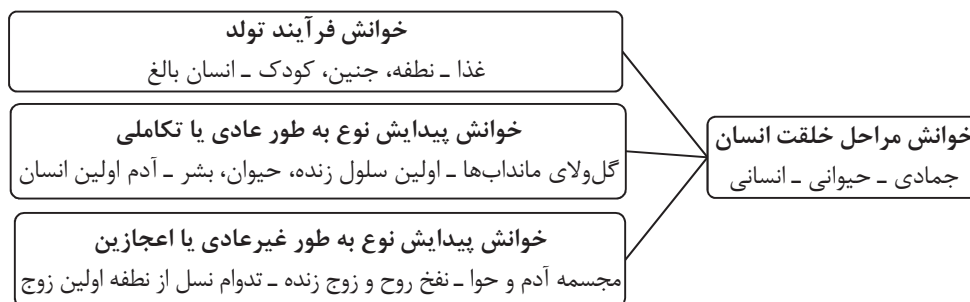
سیاق قرآنی	طبری	طوسی	رازی	آلوسی	طباطبایی
آل عمران / ۵۹	ج ۳ / ۲۰۸	۲ / ۴۸۳	۸ / ۲۴۴	۲ / ۱۷۹	۳ / ۲۱۲
کهف / ۳۷	۱۵ / ۱۶۲	۷ / ۴۳	۲۱ / ۴۶۴	۸ / ۲۶۲	
حج / ۵	۱۷ / ۸۹	۷ / ۲۹۱	۲۳ / ۲۰۳	۹ / ۱۱۱	
روم / ۲۰	۲۱ / ۲۱	۸ / ۲۳۸	۲۵ / ۹۰	۱۱ / ۳۱	
فاطر / ۱۱	۲۲ / ۸۱	۸ / ۴۱۸	۲۶ / ۲۲۷	۱۱ / ۳۴۹	۱۷ / ۲۵
غافر / ۶۷	۲۴ / ۵۳	۹ / ۹۳	۲۷ / ۵۳۱	۱۲ / ۳۳۶	۱۷ / ۳۴۷

انعام / ۲	۹۳ / ۷	۷۷ / ۴	۴۷۹ / ۱۲	۸۳ / ۴	۸ / ۷
مومنون / ۱۳ - ۱۲	۶ / ۱۸	۳۵۳ / ۷	۲۶۵ / ۲۳	۲۱۶ / ۹	۱۹ / ۱۵
سجده / ۷ - ۹	۶۰ / ۲۱	۲۹۷ / ۸	۱۴۱ / ۲۵	۱۲۱ / ۱۱	۲۵۰ / ۱۶
ص / ۷۲ - ۷۱	۱۱۸ / ۲۳	۵۸۰ / ۸	۴۰۹ / ۲۶	۲۱۴ / ۱۲	۲۲۵ / ۱۷

۲. خوانش پیدایش نوع به طور عادی یا تکاملی

مبدأ آفرینش انسان خاک یا گل است که در ماندابها و در گذر سال‌های متمادی اولین جاندار به وجود می‌آید و در طی تکامل حیات و پیچیده‌تر شدن ساختار اولین سلول حیاتی، حیوانات متنوع با اشکال و صور گوناگون پدید آمده و در نهایت شکل بشر تصویرگری شده و با بلوغ ذهنی این بشر، استعداد دریافت روح الهی فراهم آمده و با نفخ روح الهی در اولین نمونه انسان تکامل یافته از بشر اولیه، آدم و همسرش از همان جنس پدید آمده و منشأ حیات انسان هوشمند امروزمی می‌شود. (سجایی، ۱۳۸۷؛ طالقانی، ۱۳۶۲؛ مشکینی، ۱۳۶۶) ارائه‌دهندگان این خوانش تمام سیاق‌های مراحل خلقت را بر این اساس تفسیر نموده‌اند.

نمودار ۱: خوانش‌های موجود از مراحل خلقت انسان



ارزیابی دو خوانش اعجازین و تکاملی بر پایه تحلیل سیاق‌های قرآنی

همه مفسران خوانش فرآیند تولد را به‌عنوان یک احتمال در کنار خوانش پیدایش نوع در برخی از سیاق‌های مراحل خلقت طرح نموده‌اند؛ در حالی که در تمام سیاق‌های مراحل خلقت از پیدایش نوع سخن گفته‌اند؛ بنابراین سازگاری خوانش پیدایش نوع را به‌عنوان خوانشی فراگیر نسبت به همه سیاق‌های مراحل خلقت انسان، در دو حالت اعجازین و تکاملی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

در بیشتر سیاق‌ها مرحله نطفه بعد از مرحله تراب بدون هیچ توضیح یا قرینه‌ای درباره نحوه گذار میان این دو مرحله ذکر شده است؛ از این رو در این دست سیاق‌ها، نمی‌توان یکی از دو خوانش تکاملی یا اعجازین را برگزید، حتی می‌توان مرحله ترابی را به‌عنوان منشأ غذای سازنده نطفه طبق خوانش فرآیند

تولد تفسیر نمود. (جدول ۷) تنها سیاق‌هایی که به نام آدم نبی در آن اشاره شده، حاوی قرآنی هستند که امکان خوانش تکاملی یا اعجازین را فراهم می‌سازد؛ یعنی سیاق‌های آل عمران، حجر، ص. سیاق سجده نیز اگرچه نام آدم در آن به میان نیامده، اما به جهت شباهت به سیاق حجر و ص و چالشی که در ترتیب مراحل خلقت در آن مشاهده می‌شود، نیازمند بررسی است.

الف) سیاق آل عمران

بنا بر خوانش اعجازین در این سیاق، تعبیر «کن فیکون» دلالت بر خلقت اعجازین هر دو دارد، اما همان‌طور که پیشتر آمد، تحلیل بافت آیات خلقت انسان نشان می‌دهد، این تعبیر جانشین مفهوم نفخ روح است. تحلیل آیات حاوی تعبیر «کن فیکون» نیز نشان می‌دهد، این تعبیر بر ایجاد غیرعادی و اعجازین اشیاء دلالت ندارد، بلکه بر وابستگی پیدایش طبیعی اشیاء به حضور امر خدا دلالت دارد؛ (روحانی، ۱۴۰۰) اشکالات دیگر این خوانش نیز در پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است (روحانی، ۱۳۹۷)

بنا بر خوانش تکاملی، در مقام جدال با مسیحیان نجران، خلقت آدم به عیسی تشبیه شده تا انگاره الوهیت عیسی مخدوش شود؛ به این صورت که آدم و عیسی هر دو طبیعی خلق شده و برتری آنها نسبت به سایر انسان‌های هم عصرشان در برخورداری خاص آنان از روح الهی است؛ آدم به‌عنوان اولین انسان برخوردار از روح و عیسی به‌عنوان انسانی که در بطن مریم از روح برخوردار شد و بر خلاف عموم انسان‌ها از بدو تولد به بلوغ عقلی دست یافت، ضمن آنکه می‌توان تایید وی به روح‌القدس را دال بر دریافتی برتر از حقیقت روح دانست. این خوانش از سیاق آل عمران به تفصیل در مقاله دیگری مورد پژوهش و تقویت قرار گرفته است. (روحانی، ۱۳۹۷)

ب) سیاق حجر و سیاق ص

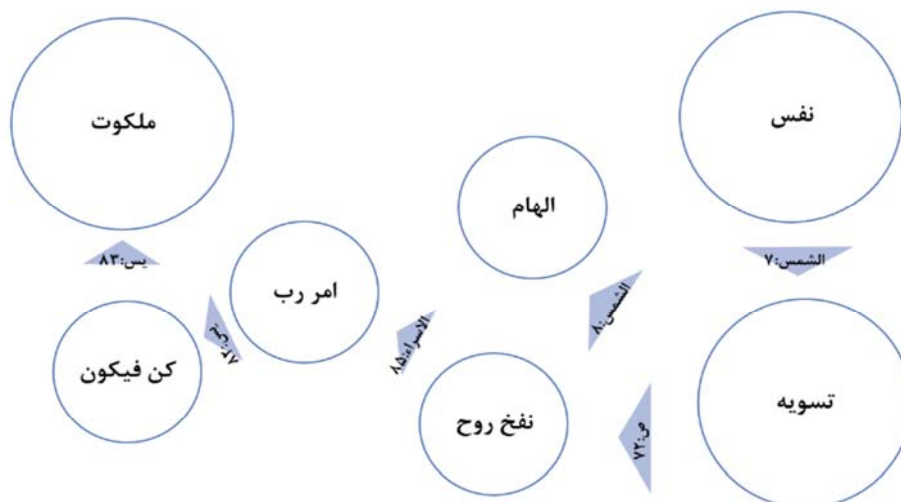
این دو سیاق از اعلام خبر آفرینش آدم از سوی خداوند میان فرشتگان آغاز می‌شود. از این رو به روشنی از پیشینه آفرینش نوع انسان سخن می‌گوید و تنها با خوانش پیدایش نوع سازگار است. اکنون مسئله آن است که این داستان با کدام خوانش پیدایش نوع سازگار است؛ اعجازین یا تکاملی؟ در پاسخ به این مسئله باید فهمید گفتگوی خداوند با ملائکه چه مفهومی دارد.

اکنون لازم است، از سبک دوگانه قرآن در یادکرد پدیده‌ها سخن گفت؛ (ر. ک. روحانی، ۱۴۰۰) در سبک نخست، تنها خداوند را به‌عنوان فاعل و خالق در رخدادها یاد می‌کند؛ مانند آیه‌ای که الله را نازل کننده آب از آسمان می‌خواند؛ (نحل / ۱۰) یا پیدایش جهان را حاصل امر خداوند به آسمان و زمین و اطاعت این دو از امر خداوند می‌داند؛ (فصلت / ۱۱) یا رفتارهای غریزی زنبور عسل را حاصل امر

خداوند که بر زنبور وحی شده می‌شمرد؛ (نحل / ۶۹ - ۶۸) در سبک دوم، به فرآیند طبیعی و تحولات لازم برای ایجاد اشیاء اشاره می‌کند، اگرچه در این دست آیات نیز از ذکر فاعل حقیقی آن غفلت نمی‌ورزد؛ مانند آیات حرکت ابرها و باروری آنها و فرآیند چند مرحله‌ای تشکیل تگرگ (نور / ۴۳) و اشاره به فتق بودن آسمان‌ها و زمین و رتق شدن آن و ایجاد حیات پس از این مرحله. (انبیاء / ۳۰) بنابراین خلق و امر دو منظر برای وصف پدیده‌ها هستند. منظر خلق برای همگان از مومن و کافر قابل رویت و مطالعه است و منظر امر یا نظر در ملکوت اشیاء که پیوند میان آنان و خالق را نمایانگر است، تنها به روی اهل بصیرت و یقین چون ابراهیم باز است. (انعام / ۷۵) حتی خداوند همگان را با استفهامی توبیخی، به منظور ترغیب فراخوانده تا در ملکوت همه مخلوقات نظر کنند. (اعراف / ۱۸۵) بنابراین می‌توان گفت نظر به ملکوت اشیاء، یعنی نگاهی مومنانه که روح هستی را در ورای چهره آشکار آنها شهود می‌کند و به پیوند اسرار آمیز و پنهان آنها با پروردگار یقین دارد، اگرچه با حواس ظاهری و مطالعه علمی نمایان نشود.

دو منظر خلق و امر قرآن در وصف پیدایش نوع انسان نیز مشاهده می‌شود؛ منظر خلق در آیاتی مشاهده می‌شود که مراحل تحوّل نطفه به علقه و مضغه و ... تا تولد انسان را بیان می‌کند (مومنون / ۱۴ - ۱۲) و با دقتی قابل قبول با وصف علمی مراحل دوران جنینی تطابق دارد. (ابراهیمی و فاضل، ۱۳۹۱) اما منظر امر یا ملکوت در آیاتی تصویر شده که از سخن گفتن خداوند با ملائکه درباره خلقت انسان از خاک و برخورداری او از روح آغاز شده و با سجده ملائکه بر انسان پایان می‌یابد. (ص / ۷۲؛ حجر / ۲۹) به نظر می‌رسد، این داستان بیان ملکوتی یا تصویر تمثیلی - نمادین از تسخیر عالم طبیعت به امر خدا در دست عقل بشر است؛ به این صورت ملائکه نماد ملکوتی برای شعور باطنی عالم طبیعت، خاک نماد جسم انسان و روح نماد عقل و شعور باطنی انسان و سجده ملائکه بر انسان نماد تفوق عقل انسان بر موجودات عالم و تسخیر عالم توسط او است؛ در حقیقت ملائکه به‌عنوان تدبیرگران امر (نازعات / ۵؛ طوسی، بی‌تا: ۱۰ / ۲۵۳) با جنبه ملکوتی همه پدیده‌ها از جمله بدن انسان پیوند دارند؛ اما روح از امر خداست و تنها با جنبه ملکوتی نفس انسان پیوند دارد و در آن دمیده می‌شود و عقل ویژه انسان را پدیدار می‌سازد. (روحانی، ۱۳۹۷: ۷۲؛ رسم توضیحی ۱) در روایات نیز از برتری روح بر ملائکه سخن رفته است (کلینی، ۱۳۶۲: ۱ / ۲۷۳؛ قمی، ۱۳۶۲: ۲ / ۲۶) و بنابر آیه (اسراء / ۷۰) تسخیر طبیعت توسط فرزندان آدم پیامد تکریم الهی و موجب تفضیل او بر مخلوقات است. همچنین در همه کاربردهای قرآنی روح به رب و امر او اختصاص یافته یا هم‌نشین ملائکه است. (جدول ۹)

رسم توضیحی ۱: روح، ملکوت نفس است.



جدول ۹: همه کاربردهای روح در قرآن، نشانگر پیوند با امر ربّ و هم‌نشین ملائکه

عبارت آیه درباره روح	آدرس آیه
أَيُّدْنَاهُ يَرْوَحُ الْقُدُسُ	بقره / ۸۷ - ۲۵۳
رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أُلْفَاهَا إِلَيَّ مَرْيَمُ وَ رُوحٌ مِنْهُ	نساء / ۱۷۱
نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي	حجر / ۲۹
نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ	نحل / ۱۰۲
قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي	إسراء / ۸۵
فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا	مریم / ۱۷
فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا	أنبياء / ۹۱
نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ	سجدة / ۹
نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي	ص / ۷۲
يَلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ	غافر / ۱۵
أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنَا	شوری / ۵۲
فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا	تحريم / ۱۲
تَعْرَجُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ إِلَيْهِ	معارج / ۴
يَقُومُ الرُّوحُ وَ الْمَلَائِكَةُ صَفًّا	نبا / ۳۸
تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا يَأْذَنُ رَبُّهُمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ	قدر / ۴

یک تصویر ملکوتی دیگر برای بیان شهود باطنی در انسان، آیه عهد الست است. (اعراف / ۱۷۲) در این تصویر از پشت فرزندان آدم، نسل آنان خارج شده و در برابر مقام ربوبی، به شهود نفوس خود نائل

شده و بر ربوبیت خداوند شهادت می‌دهند. بنابر ظاهر آیه، همین شهود فراخَلقی است که منظر ملکوتی را به روی انسان گشوده است تا از آن به پدیده‌ها نظر نموده و ملکوت آن؛ یعنی پیوند ربوبی میان خدا و موجودات را دریابد.

شایان ذکر است که نمادین و تمثیلی دانستن این دست از بیان‌های قرآن، حقیقت داستان واقع شده را نفی نمی‌کند، بلکه بیان حقیقت غیر ملموس آن را جز از طریق نمادین ممکن نمی‌شمرد. بنابراین این دیدگاه با نظریه نمادین بودن زبان دین تفاوتی آشکار دارد؛ نظریه‌ای که اساساً معرفت افزا و حقیقی بودن زبان دین را نفی می‌کند. (توکلی پور و علی‌زمانی، ۱۳۹۶: ۷۴۳)

بنابر مطالب فوق دو سیاق حجر و ص در مقام بیان علمی مراحل خلقت انسان نیست، تا سازگاری آن با نظریه تکامل مورد بحث قرار بگیرد؛ بلکه از وجود دو جلوه خلقی و ملکوتی انسان، با دو نماد خاک و روح سخن می‌گوید؛ همچنین رابطه میان آدم با این دو جلوه، و با ملکوت عالم با نماد ملائکه حکایت شده است.

ج) سیاق سجده

خاص‌ترین سیاق در بیان مراحل خلقت انسان، سیاق سجده است؛ زیرا مخاطب آن انسان‌ها هستند، اما ترکیبی از تعبیر مشهود در سیاق گفتگو با ملائکه؛ یعنی بیان نمادین خلقت انسان و تعبیر مشهود در سیاق خلقت عموم انسان‌ها به شکل طبیعی از غذا و نطفه، ارائه شده است:

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ * ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ. (سجده / ۹ - ۷)

تعبیر طبیعی - خلقی و بیان واقعی در آیه عبارتند از شروع فرآیند آفرینش «بَدَأَ»، تداوم نسل با نطفه «مَاءٍ مَهِينٍ»، ابزارهای دریافت اطلاعات در بدن انسان «السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ». تعبیر ملکوتی - امری و بیان نمادین در آیه عبارت است از نفخ روح پس از تسویه نفس «سَوَّاهُ وَ نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ». خاک هم به‌عنوان منبع غذای والدین برای تشکیل نطفه به‌صورت طبیعی قابل تفسیر است و هم به‌عنوان نماد جسم مخلوق و طبیعی انسان در برابر روح ملکوتی، به‌صورت تمثیلی قابل تفسیر است. اما ترکیب این دو نوع بیان در یک آیه، دلیلی است بر یکپارچگی این دو نوع بیان به این صورت که دو منظر به یک رخداد تلقی می‌شوند. در این صورت لازم است، خلقت انسان از خاک و سپس تبدیل خاک به نطفه و آنگاه تسویه نفس و نفخ روح از منظر خلق؛ یعنی به‌صورت علمی تبیین گردد. حال باید دید، این

آیه با کدام خوانش خلقی سازگار است؟ ظاهر آیه با خوانش فرآیند تولد ناسازگار است؛ زیرا پس از آغاز خلقت از گل، از تداوم نسل انسان خلق شده از نطفه سخن می‌گوید؛ در حالی که در این خوانش لازم است، از ادامه و تکامل خلقت همین انسان در حالات جنینی و سرانجام تولد او سخن بگوید؛ زیرا در بیان فرآیند تولد فرد انسان‌ها، تداوم نسل و تولد فرزند از نطفه موضوعیتی ندارد، ضمن آنکه پیدایش فرزندان پیش از خلقت نطفه خود آنها صورت نمی‌گیرد (شکل ۱).



شکل ۱: مراحل خوانش فرآیند تولد

بنابراین خوانش پیدایش نوع به صورت اعجازین قوت می‌یابد؛ زیرا در این خوانش پس از پیدایش آدم و همسرش از مجسمه گلین، نسل انسان از نطفه این دو تداوم یافته است. در ادامه آیه از مرحله تسویه و نفخ روح یاد می‌شود. اینجا این مسئله مطرح می‌شود که آیا نفخ روح در آدم پس از تکثیر نسل او بوده است؟ طبق خوانش پیدایش اعجازین، با نفخ روح آدم جان یافت (طوسی، بی تا: ۸ / ۲۹۷) و پیش از آن جسمی خاکی و بی جان بود، از این رو این خوانش نیز با ترتیب سیاق سجده (شکل ۲) تفاوت دارد. (شکل ۳)



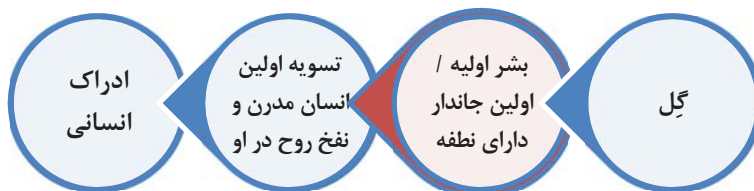
شکل ۲: ترتیب مراحل خلقت در سیاق سجده

البته با تغییری در ظاهر و با اصلاحی در این خوانش می‌توان آن را با سیاق سازگار نمود؛ به این صورت که انسان در این سیاق را به طور خاص با آدم تطبیق دهیم و بگوییم تسویه و نفخ روح در آدم در سنین بلوغ او و پس از ایجاد سیستم تولید مثل در او رخ داده و جعل نسل از نطفه به تولد فرزندان اشاره ندارد، بلکه به پیدایش اسباب و مقدمات آن اشاره دارد. مراد از نفخ روح نیز دریافت حیات نیست؛ بلکه دریافت عقل انسانی در سن بلوغ یا بر خورداری از وحی نبوت است. پس با یک تغییر در ظاهر آیه و یک تغییر در خوانش مشهور، این دو باهم سازش یافتند. البته تغییر پیشنهادی در خوانش اعجازین مشهور این مسئله را ایجاد می‌کند که میان خلقت آدم و دریافت روح و سجده ملائکه سال‌ها فاصله است که ضرورت وجود این فاصله روشن نیست. وقتی خداوند یکباره و به اعجاز خاک را به انسان تبدیل می‌کند، چرا منتظر رشد تدریجی او تا بلوغ بماند تا ادراک انسانی در او شکل گرفته و او را از روح برخوردار سازد؟ چرا همین فرآیند تدریجی و طبیعی را برای خلقت او از گل رقم نزنند؟



شکل ۳: خوانش اعجازین سیاق سجده

خوانش پیدایش نوع تکاملی هم در سیاق سجده با یک شرط ممکن است، این که تداوم نسل انسان در آیه، از نطفه بشر اولیه و پیشامدرن یا اولین جاندار دارای نطفه در نظر گرفته شود. (شکل ۴)



شکل ۴: ترتیب خوانش تکاملی بر پایه سیاق سجده

در هر دو خوانش، سیاق بخشی از فرآیند، یعنی نحوه تبدیل گل به نطفه را مسکوت گذاشته است. در خوانش اعجازین هیچ واسطه‌ای جز قدرت خداوند میان این دو مرحله، گل و انسان هوشمند، نیست؛ اما در خوانش تکاملی، موجودات زنده نخستین تا موجودات انسان نمای دارای نطفه، واسطه پیدایش انسان مدرن هستند.

از آنجا که در خوانش فرآیند تولد در سیاق‌های دیگر نیز، غذا و تحولات آن در بدن، به‌عنوان واسطه تبدیل خاک به نطفه مسکوت بود، در نظر گرفتن واسطه در خوانش تکاملی نیز مجاز می‌نماید. در نتیجه سیاق سجده با خوانش پیدایش اعجازین به شکل مشهور آن سازگار نیست و با خوانش تکاملی سازگار است.

فخرالدین رازی در تفسیر خود این ناسازگاری را ذکر و برای رفع آن خوانش فرآیند تولد را پیشنهاد نموده است. او پس از ارائه هر دو خوانش خلقت اعجازین آدم از گل و خوانش فرآیند تولد می‌نویسد:

اگر کسی بگوید تفسیر دوم درست نیست؛ زیرا جعل نسل بعد از خلق انسان از طین است، می‌گویم اتفاقاً تفسیر دوم به ترتیب لفظی نزدیک‌تر است؛ زیرا خدای متعال آفرینش انسان را از ابتدای آن یاد کرده و فرموده که آن را از طین آغاز نموده سپس آن را به سلاله تبدیل کرده و آنگاه آن را تسویه نموده و در آن از روحش دمیده است و طبق گفته شما بعید است که ضمیر در «سوآه و نفخ فیه» به آدم برگردد؛ زیرا با آوردن

کلمه «ثم» که برای تراخی است، تسویه بعد از جعل نسل و آن نیز بعد از خلق آدم است (یعنی نباید تسویه و نفخ روح در آدم بعد از تولد فرزندانش باشد). بدان که دلایل آفاقی بیشتر نشانگر قدرت خداوند هستند و دلایل انفسی به دلیل کثرت تغییرات، بیشتر نشانگر نفوذ اراده خداوند هستند. (رازی، ۱۴۲۰: ۵ / ۱۴۱)

این‌چنین رازی خوانش اعجازین از سیاق سجده را به دلیل ناسازگاری با ترتیب لفظی تضعیف نموده و بر کثرت تحولات در خلقت انسان پای فشرده است. در حالی که مسئله تأخر خلقت نطفه انسان از خلقت خود انسان و عدم‌سازش آن با فرآیند تولد را بی‌پاسخ نهاده است. البته خلقت انسان از طین آغاز شد، اما به اتمام نرسید؛ بلکه فرآیند آن با پیدایش نطفه از خاک تداوم یافت تا به مرحله استواء و نفخ روح رسید. ظاهراً این ترتیب با هر دو خوانش فرآیند تولد و پیدایش تکاملی سازگار است؛ جز آنکه در خوانش فرآیند تولد، تعبیر «جعل نسله» برای تغییرات غذا تا نطفه معنای درستی ارائه نمی‌دهد، زیرا برای مواد واسط نمی‌توان نسل را تصور نمود، اما در خوانش تکاملی برای جانداران واسط می‌توان مفهوم نسل و تناسل را تصور نمود.

موید دیگر این ترتیب آیه: «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» (اعراف / ۱۱) است که تصویرگری انسان‌ها پس از خلقت آنها و پیش از مسجود شدن آدم آمده است. مفسران متأثر دیدگاه سنتی خود درباره خلقت اعجازین آدم، در توجیه این ترتیب چهار نظر ارائه داده‌اند؛

یکم: آدم نماد عالم بشریت بوده و سجده بر او سجده بر انسان است؛ به این جهت کلمه ابا (پدر) به‌عنوان مضاف ضمیر «کم» حذف شده «خَلَقْنَاكُمْ أَيْ / خَلَقْنَا أَبَاكُمْ آدَمَ وَ صَوَّرْنَاكُمْ أَيْ صَوَّرْنَا آدَمَ» و ما به‌عنوان فرزندان آدم مورد خطاب قرار گرفتیم.

دوم: ما به‌عنوان ذریه آدم در پشت او خلق و صورتگری شدیم، سپس فرشتگان بر او سجده کرده‌اند؛ سوم: ثم بعد از صورناکم، تأخر در بیان خبر را می‌رساند؛ یعنی شما را خلق و صورتگری کردیم، سپس به شما خبر سجده ملائک بر آدم را نقل کردیم؛

چهارم: خلق به‌معنای تقدیر است، پس آیه می‌گوید، خلقت شما را مقدر نمودیم و صورت شما را در لوح محفوظ ثبت نمودیم و آنگاه آدم را خلق نموده و به ملائکه دستور دادیم بر او سجده کنند. (رازی، ۱۴۲۰: ۱۴ / ۲۰۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸ / ۲۱)

هریک از حالات معنایی فوق عبارتی را در تقدیر می‌گیرد و انحرافی از ظاهر الفاظ آیه دارد، در حالی که ظاهر آیه با خوانش تکاملی کاملاً سازگار است. ابتدا خلقت انسان طی فرآیند پیدایش حیات مقدر

شده، سپس با تحوّل در صورت‌های گوناگون حیات، صورت انسانی پدید آمده و در پایان انسان هوشمند برخوردار از روح، شایسته سجده ملائکه شده است، آدم نماد انسان هوشمند یا اولین انسان هوشمند یا فردی منتخب از اولین انسان‌های هوشمند است.

در پایان این بخش و پس از بررسی همه سیاق‌های مراحل خلقت روشن شد، خوانش فرآیند تولّد در برخی سیاق‌ها ممکن است؛ اما در همه سیاق‌ها هر دو خوانش پیدایش نوع، یعنی اعجازین و تکاملی، مطرح و مقبول است، به جز سیاق سجده که تنها خوانش پیدایش تکاملی با آن سازگار است.

نتیجه

بر پایه تحلیل جامع آیات قرآن درباره منشأ و مراحل خلقت انسان، پنج مرحله اساسی برای خلقت انسان به دست می‌آید: ۱. تراب (جمادی)؛ ۲. ماء نطفه (حیوانی)؛ ۳. بلوغ و دریافت روح (انسانی)؛ ۴. پیری و موت (گذار به نشئه جدید)؛ ۵. خلقت دوباره و بعث (نشئه جدید).

قرآن کریم درباره نحوه گذار از مرحله جمادی به حیوانی و از مرحله حیوانی به انسانی تعبیر صریحی ندارد؛ از این رو در تفاسیر با سه خوانش از سیاق‌های قرآنی در سه مرحله نخست؛ یعنی جمادی، حیوانی، انسانی مواجه هستیم؛ خوانش فرآیند تولّد، خوانش پیدایش نوع اعجازین و خوانش پیدایش نوع تکاملی. بر پایه خوانش فرآیند تولّد، مبدا تولّد هر فرد انسان خاک است، زیرا منشأ مواد تشکیل‌دهنده نطفه انسان، غذای به دست آمده از خاک است که توسط والدین هر فرد مصرف می‌شود و در بدن آنها تبدیل به نطفه می‌شود. انسان پس از طی مراحل جنینی و تولّد، به بلوغ رسیده، قوای عقلی او کامل‌تر شده و از روح برخوردار و از حیات حیوانی به حیات انسانی ارتقاء می‌یابد.

بر پایه خوانش پیدایش نوع، تاریخچه و مبدا پیدایش نوع انسان، از خاک آغاز شده است، اما کیفیت تبدیل این خاک به انسان به دو صورت تبیین شده و دو خوانش پدید آمده است. در خوانش پیدایش نوع به طور غیرعادی یا اعجازین، خاک به طور شگفت‌انگیز و غیرعادی به مجسمه آدم تبدیل می‌شود، آنگاه روح الهی در مجسمه دمیده شده جان می‌یابد و همسر او نیز همین گونه از مازاد خاک او آفریده شده و از نطفه این دو حیات انسانی تداوم می‌یابد.

در خوانش پیدایش نوع به طور عادی یا تکاملی، مبدا آفرینش انسان خاک یا گل است که در مانداب‌ها و در گذر سال‌های متمادی نخستین جاندار از آن به وجود می‌آید و در طی تکامل حیات و پیچیده‌تر شدن ساختار اولین سلول حیاتی، حیوانات متنوع با اشکال و صور گوناگون پدید آمده و در نهایت شکل بشر تصویرگری شده و با بلوغ ذهنی این بشر، استعداد دریافت روح الهی فراهم آمده و با

نفخ روح الهی در اولین نمونه انسان تکامل یافته از بشر اولیه، آدم و همسرش از همان جنس پدید آمده و منشأ حیات انسان هوشمند امروزمی می‌شود.

همه مفسران خوانش فرآیند تولد را به‌عنوان یک احتمال در کنار خوانش پیدایش نوع در برخی از سیاق‌های مراحل خلقت طرح نموده‌اند؛ در حالی که در تمام سیاق‌های مراحل خلقت از پیدایش نوع سخن گفته‌اند؛ بنابراین لازم است، سازگاری خوانش پیدایش نوع را به‌عنوان خوانشی فراگیر نسبت به همه سیاق‌های مراحل خلقت انسان، در دو حالت اعجازین و تکاملی مورد ارزیابی قرار دهیم.

در بیشتر سیاق‌ها مرحله نطفه بعد از مرحله تراب بدون هیچ توضیح یا قرینه‌ای درباره نحوه گذار میان این دو مرحله ذکر شده است؛ از این رو در این دست سیاق‌ها، نمی‌توان یکی از دو خوانش تکاملی یا اعجازین را برگزید، حتی می‌توان مرحله ترابی را به‌عنوان منشأ غذای سازنده نطفه طبق خوانش فرآیند تولد تفسیر نمود. تنها سیاق‌هایی که به نام آدم نبی در آن اشاره شده، حاوی قرائتی هستند که امکان خوانش تکاملی یا اعجازین را فراهم می‌سازد؛ یعنی سیاق‌های آل عمران، حجر، ص. سیاق سجده نیز اگرچه نام آدم در آن به میان نیامده، اما به جهت شباهت به سیاق حجر و ص و چالشی که در ترتیب مراحل خلقت در آن مشاهده می‌شود، نیازمند بررسی است.

توجه به سبک دوگانه قرآن در وصف پیدایش پدیده‌ها روشن می‌سازد که دو سیاق حجر و ص در مقام بیان علمی مراحل خلقت انسان نیست، تا سازگاری آن با نظریه تکامل مورد بحث قرار بگیرد؛ بلکه از وجود دو جلوه خلقی و ملکوتی انسان، با دو نماد خاک و روح سخن می‌گوید؛ همچنین از رابطه میان آدم با ملکوت عالم با نماد ملائکه حکایت شده است.

تعبیر «کن فیکون» در سیاق آل عمران جانشین مفهوم نفخ روح است که آدم و عیسی هر دو از آن برخوردارند و این تعبیر بر ایجاد غیرعادی و اعجازین اشیاء دلالت ندارد. بنابر این آدم و عیسی هر دو طبیعی خلق شده و برتری آنها نسبت به سایر انسان‌های هم عصرشان در برخوردای خاص آنان از روح الهی است. درواقع خلقت آدم و عیسی از دو وجه طبیعی - خلقی و ملکوتی - امری تشبیه شده است.

در سیاق سجده پیدایش انسان با ترکیبی از دو بیان نمادین و واقعی یا دو منظر طبیعی - خلقی و ملکوتی - امری ارائه شده است. ترکیب این دو نوع بیان در یک آیه، دلیلی است بر یکپارچگی این دو نوع بیان به این صورت که دو منظر به یک رخداد تلقی می‌شوند. ظاهر آیه با خوانش فرآیند تولد ناسازگار است و ترتیب مراحل در آیه با خوانش پیدایش نوع اعجازین تفاوت دارد. خوانش پیدایش نوع تکاملی هم در سیاق سجده با یک شرط ممکن است، این که تداوم نسل انسان در آیه، از نطفه بشر اولیه و پیشامدرن یا اولین جاندار دارای نطفه به‌عنوان واسطه میان دو مرحله در نظر گرفته شود؛ زیرا سیاق بخشی از

فرآیند؛ یعنی نحوه تبدیل گل به نطفه را مسکوت گذاشته است. در خوانش اعجازین هیچ واسطه‌ای جز قدرت خداوند میان این دو مرحله، گل و انسان هوشمند، نیست؛ اما در خوانش تکاملی، موجودات زنده نخستین تا موجودات انسان نمای دارای نطفه، واسطه پیدایش انسان مدرن هستند. از آنجا که در خوانش فرآیند تولد در سیاق‌های دیگر نیز، غذا و تحولات آن در بدن، به‌عنوان واسطه تبدیل خاک به نطفه مسکوت بود، در نظر گرفتن واسطه در خوانش تکاملی نیز مجاز می‌نماید. در نتیجه سیاق سجده با خوانش پیدایش اعجازین به شکل مشهور آن سازگار نیست و با خوانش تکاملی سازگار است.

در نتیجه ارزیابی و تحلیل خوانش‌ها در سیاق آیات مذکور روشن شد، در همه سیاق‌ها هر دو خوانش پیدایش نوع اعجازین و تکاملی قابل طرح است، به جز سیاق سجده که تنها خوانش پیدایش تکاملی با آن سازگار است.

بنابر مطالب فوق احتمال درستی خوانش پیدایش نوع تکاملی از آیات مراحل خلقت انسان، بر خوانش پیدایش نوع اعجازین برتری می‌یابد.

منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *مفاتیح الغیب / التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل*، بیروت، دار الکتب العربی، ج ۳.
- سبحانی، جعفر، ۱۳۹۰ ش، *داریونیسیم یا تکامل انواع*، قم، توحید.
- سبحانی، یدالله، ۱۳۸۷ ش، *قرآن مجید تکامل و خلقت انسان*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- سروش، عبدالکریم، ۱۳۵۹ ش، *دانش و ارزش پژوهشی در ارتباط علم و اخلاق*، ج ۳، تهران، باران.
- طالقانی، سیدمحمود، ۱۳۶۲ ش، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۴.
- طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۹۰ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ج ۲.
- طبری، محمدبن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفة.

- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فرامرزی قراملکی، احد، ۱۳۷۳ ش، *موضع علم و دین در خلقت انسان*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ ش، *تفسیر القمی*، قم، دار الکتب، چ ۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲ ش، *الکافی*، تهران، اسلامیة، چ ۲.
- مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۶۶ ش، *تکامل در قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ ۸.
- مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۷ ش، *معارف قرآن*، قم، در راه حق.
- مصباح یزدی، محمد تقی، بی تا، *خلقت انسان در قرآن*، به کوشش محمود محمدی عراقی، قم، شفق.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۹ ش، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، چ ۱۷.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ۱۰.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۳۸ ش، *فیلسوف‌نماها*، قم، دار الکتب الاسلامیة.
- نکونام، جعفر، ۱۳۹۲ ش، *مجموعه مقالات نخستین کنگره بین‌المللی قرآن کریم*، انسان و جامعه: «حقانیت علم ظاهری در قرآن»، مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد.

ب) مقاله‌ها

- روحانی مشهدی، فرزانه، ۱۳۹۷ ش، «وجوه شباهت عیسی با آدم براساس تحلیل مفاهیم کلیدی در نظام انسان»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، دوره ۵۱، ش ۱، ص ۸۷-۶۷، تهران، دانشگاه تهران.
- روحانی مشهدی، فرزانه، ۱۳۹۹ ش، «تبیین نسبت «نفس واحده» با «آدم» براساس تحلیل مفهوم «نفس» در نظام آیات قرآن»، *رهیافت‌هایی در علوم قرآن و حدیث*، ش ۱۰۴، ص ۱۳۸-۱۱۷، مشهد، دانشگاه فردوسی.
- روحانی مشهدی، فرزانه، ۱۴۰۰ ش، «نقد دوگانه‌انگاری خلقت و تکامل»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۶۴، ص ۲۱۲-۱۹۳، قم، دانشگاه معارف اسلامی.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۷۹ ش، «وجوه معانی نفس در قرآن»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، ش ۴، ص ۱۹-۶، قم، دانشگاه قم.
- فقهی‌زاده، عبدالهادی؛ منصور پهلوان و مجید روحی دهکردی، ۱۳۹۱ ش، «ویژگی‌های روح از منظر آیات و روایات»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، دوره ۴۵، ش ۲، ص ۱۴۲-۱۱۷، تهران، دانشگاه تهران.

- کلانتری، ابراهیم و حمراء علوی، ۱۳۹۲ ش، «چیستی عالم امر در آیات قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره ۴۶، ش ۱، ص ۱۶۱-۱۴۵، تهران، دانشگاه الزهراء ع.ج..
- نجفیان، روح‌الله، ۱۳۹۱ ش، «بازخوانی تقابل قرآن با تئوری تکامل انواع»، اندیشه نوین دینی، ش ۲۸، ص ۱۹۲-۱۷۳، قم، دانشگاه معارف اسلامی.

ج) منابع لاتین

- Dobzhansky, Theodosius, 1973, *Nothing in biology makes sense except in the light of evolution*, American Biology Teacher, 35, P. 125-129, USA, UC Press, <https://doi.org/10.2307/4444260>.
- Rohanimashhadi, F., 2020, "Adam's Istifā' in Qur'an and human evolution", *HTS Teologiese Studies / Theological Studies*, No. 76 (1), a5795, South Africa, University of Pretoria. <https://doi.org/10.4102/hts.v76i1.5795>.